

# نام و نسب،

# کنیه و لقب ابن سینا

دکتر جواد وهابزاده

عضو هیات علمی دانشکده‌های پزشکی اردبیل

## □ مقدمه

برداشتی از این کنیه‌ها به دلایل زیر نادرست می‌باشد:  
الف- این فیلسوف بزرگ اصلاً ازدواج نکرده تا فرزندی هم به نام «علی» داشته باشد و در هیچ ماخذی هم اشاره‌ی به فرزند او نشده است و فقط به تنها برادر وی که چند سال از او کوچک‌تر بوده و «محمود» نام داشته است، اشاره شده و نام مادر او را هم «ستاره» قید کرده‌اند. برای رفع این ابهام و شبهه تذکر این نکته ضروری است که داشتن کنیه‌ی با پیشوند «ابو، بو، ابی، ابا، با» الزاماً به معنی پدر بودن و داشتن فرزندی با نام و مشخصات آمده در آن کنیه نیست، به طوری که در میان عرب‌ها داشتن چنین کنیه‌هایی رایج و معمول است که نمونه‌ی آن یاسر عرفات با کنیه‌ی ابوعمار است، بدون این که فرزندی به نام عمار داشته باشد. حال سوالی که پاسخ آن روشن نیست وجه انتخاب کنیه‌ی «ابوعلی» است، آیا این یک انتخاب ذوقی و تصادفی است و یا دلیلی بر آن وجود دارد، ظاهراً معلوم نیست.

ب- در مورد کنیه‌ی «ابن سینا» که مشهورترین معرف این طبیب پُرآوازه به معنی پسر سینا «پورسینا» است، باید گفت که گرچه در فرهنگ‌های مختلف «سینا» را نام پدر، پدربزرگ، جد دوم، جد سوم و... این دانشمند نوشته‌اند، اما واقعیت این است که هیچ‌یک از اجداد او نام «سینا» نداشته‌اند و به عقیده‌ی محقق و ریاضیدان معاصر آقای دکتر پرویز شهریاری: «برخی فرهنگ‌ها چون درمانده‌اند تا چند پشت، این اندیشمند را اسم‌هایی گذاشته‌اند و پشت آخر را گفته‌اند «سینا» که هیچ معنایی ندارد» به نظر دکتر شهریاری، سابقه‌ی اسمی «سینا» مربوط به صورت قدیمی‌تر آن «سنه =» پزشک مشهوری در ایران باستان می‌باشد که حدود ۷۰۰ سال قبل از میلاد در هگمتانه (همدان امروزی) می‌زیسته و از چنان شهرتی در پزشکی برخوردار بوده که پس از مرگ، نام او تبدیل به اسطوره شده است. اسطوره‌ی که به **شاهنامه‌ی فردوسی** هم راه یافته و کلمه‌ی «سیمرغ» هم از همین اسم گرفته شده، پرنده‌ی اساطیری که نماد پزشک و حکیم چاره‌ساز است (در این مقوله به مقاله‌ی این جانب با عنوان «پزشک و پزشکی در شاهنامه‌ی حکیم طوس» در شماره‌ی ۲۹ **ماهنامه‌ی حافظ** رجوع شود.) دکتر شهریاری می‌گوید: «درست همان طوری که کسی را که در دریا کار می‌کند، فرزند دریا می‌گویند... ابن سینا هم باید همین طور باشد». نگارنده‌ی

در آغاز شهریور ۳۵۹ در نزدیکی شهر بخارا، مرکز حکومت سامانیان، از پیوند خجسته‌ی «عبدالله» بلخی با «ستاره» بخارایی کودکی به دنیا آمد که او را «حسین» نامیدند. کودکی که از همان اوان زندگی خود چون ستاره‌ی بدرخشید و ماه مجلس علم، حکمت و خورشید عالم‌تاب جهان پزشکی شد و انوار خیره‌کننده‌ی شهرتش، القاب و عناوین زیادی را نصیب او نمود تا حدی که نام اصلی وی یعنی «حسین» در میان انبوه لقب‌ها و کنیه‌های او فراموش شد. کنیه‌هایی که ممکن است برای عده‌ی ابهام‌آمیز هم باشد. در این مقاله ابتدا برای رفع این ابهامات و اشتباهاتی که گاهی در بعضی نوشته‌ها دیده می‌شود، به نکاتی چند اشاره خواهد شد و سپس به بررسی اجمالی مقام و منزلت این اندیشمند بزرگ در پزشکی خواهیم پرداخت.

## ۱- نام اصلی ابن سینا و پدرش

بنا به دست‌خطی که از او در دست است، مسلماً نام وی «حسین» و نام پدرش «عبدالله» است. در این دست‌خط که در پشت نسخه‌ی ترجمه‌ی عربی یکی از کتاب‌های جالینوس موجود است، ابن سینا در سال ۴۰۷ قمری چنین یادداشت کرده است: «فی حوز الفقیر حسین بن عبدالله بن سینا المطیب فی سنة سبع و اربع مائه». متأسفانه در صفحه‌ی ۳۲۶ کتاب **اخلاق پزشکی** به انضمام مختصری از تاریخ پزشکی از انتشارات معاونت امور فرهنگی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی اسم پدر او «حسن» قید شده است. (بدین صورت «شیخ‌الرئیس ابوعلی حسین بن حسن بن علی بن سینا») و این اشتباه فاحش از سوی نهاده‌ی که خود متولی آموزش پزشکی کشور است، تأمل‌انگیز است.

## ۲- کنیه‌های ابن سینا و نسب او

این حکیم نامی دارای دو کنیه‌ی «ابوعلی = بوعلی» و «ابن سینا» است. این کنیه‌ها ممکن است برای بعضی‌ها القاکننده‌ی این معنی باشد که او دارای فرزندی به نام «علی» بوده و خود نیز فرزند یا نواده یا نتیجه یا نبره‌ی... شخصی به نام «سینا» است؛ در حالی که چنین

نیست:

حجت‌الحق، شرف‌الملک، امام‌الحکما!

هرچه خواهند، بخوانند و بنامند تو را

تو همان نادره دانای جهان، بوعلی‌سینایی

گوهری! در «صدف کون و مکان» یکتایی

#### ۴- مقام ابن‌سینا در پزشکی

بدون شک ابن‌سینا یکی از برجسته‌ترین چهره‌های پزشکی نه تنها ایران، بلکه کل جهان است. او با کمال دقت آثار بقراط و بوئزه جالینوس را مطالعه کرده و مورد مذاقه قرار داده و با کمال احترام بر عقاید و باورهای آن‌ها، ایرادهایی بر آنان گرفته و به‌واسطه‌ی هوش سرشار خود و با استقلال فکری خود آثار متعددی در طب (منثور و منظوم) که مهم‌ترین آن‌ها کتاب ارزشمند **قانون در طب** است، از خود به یادگار گذاشته است. برای پی‌بردن به منزلت والای ابن‌سینا در پزشکی پس از یادآوری اهمیت کتاب فوق‌الذکر و بیان برخی از نوآوری‌های او در پزشکی، به اظهارنظر بعضی از بزرگان علمی جهان درباره‌ی وی خواهیم پرداخت.

#### الف- اهمیت کتاب قانون در طب

در اهمیت این کتاب که در غرب به‌نام Canon شهرت دارد، همین بس که تنها ۴۰ سال بعد از اختراع صنعت چاپ در اروپا، به زیر چاپ آراسته شده و حتا در روزگار ما نیز به علت جذابیتی که دارد، در سال ۱۹۶۰ در کراچی به زبان انگلیسی و در ۱۹۶۶ در تاشکند به زبان روسی چاپ شده است. این کتاب در چند سده از سده‌های میانی یکی از متون معتبر آموزش پزشکی در دانشکده‌های پزشکی اروپا و تا اواسط سده‌ی ۱۷ در مونپلیه‌ی فرانسه، لوون بلژیک و بولونیای ایتالیا تدریس می‌شد و این عقیده در غرب رایج بود که یک طبیب خود باید ابن‌سینایی Avicennit باشد.

۱۵ بار تجدید چاپ آن در فاصله‌ی کم‌تر از نیم‌قرن، ترجمه‌ی آن به زبان‌های عبری، لاتینی، ایتالیایی، انگلیسی، روسی، فارسی و... در شهرهای مختلف جهان از جمله ناپل، رم، ونیز، قاهره، کراچی، لاهور، لکنهو، تهران و... و نگارش ده‌ها شرح و حاشیه و تلخیص توسط پزشکان مختلف بر این کتاب همه حاکی از جایگاه والای آن می‌باشد.

#### ب- نوآوری‌های ابن‌سینا در پزشکی

۱- ابن‌سینا اولین طبیبی‌ست که توصیه می‌نماید که نخستین نمونه‌ی ادرار بامدادی باید مورد آزمایش قرار گیرد و آزمایش کاملی از ادرار از نظر رنگ، هیات (قوام)، روشنی و تیرگی، ته‌نشینی، اندازه، بو و کف انجام می‌داده است. از این روی بعضی‌ها او را بنیانگذار علوم آزمایشگاهی و نفرولوژی می‌دانند.

۲- برای نخستین‌بار به اثر پادنتی و پادزهری خون سگ‌ها در درمان بیماری‌های هاری پی برده است و از این جهت به‌عنوان پایه‌گذار علم ایمنی‌شناسی «ایمنولوژی» شناخته می‌شود.

این سطور در گذشته نیز به نظریه‌ی، عین عقیده‌ی دکتر شهریار برخورده بودم که در آن حتا نام «سینوهه» پزشک مخصوص فرعون نیز برگرفته از نام «سئنه» بیان شده بود. این نظر دکتر شهریار درباره‌ی وجه انتخاب کنیه‌ی «ابن‌سینا» منطقی و قابل قبول به‌نظر می‌آید و به احتمال زیاد این طبیب جامع‌الاطراف، آگاهی کافی از تاریخ گذشته‌ی ایران داشته است.

در این‌جا اشاره به این نکته هم لازم است که نام ابن‌پزشک بزرگ در منابع غربی یعنی «أویسنا = Avicenna» و «أویسن = Avicenne» و «أویکنا = Avikenna» نیز از همین کنیه‌ی «ابن‌سینا» برگرفته شده است و بنا به نوشته‌ی سعید نفیسی در ترجمه‌ی آثار ابن‌سینا به زبان عبری نام او «أون سینا» (به فتح الف و کسر واو) ضبط گردیده و بعدها مرجع ضبط نام‌های لاتینی و اروپایی این دانشمند شده است. با توجه به وجود سه کنیه‌ی «ابن‌سینا» و «ابوعلی» و «بوعلی» و شش فقره نام‌های دیگری که از ترکیب آن‌ها و یا بخشی از آن‌ها به‌دست آمده است، یعنی «ابوعلی‌سینا»، «ابوعلی ابن‌سینا»، «ابوعلی بن‌سینا»، «بوعلی سینا»، «بوعلی ابن‌سینا» و «بوعلی بن‌سینا» اگر قرار باشد، برای یکسان‌سازی فرهنگ‌ها و نمایه‌ها و به‌منظور تسهیل و تسریع در دسترسی به مطالب مربوط به این اندیشمند یکی از این نام‌های نه‌گانه را انتخاب کنیم (که ضرورت چنین انتخابی محسوس است) شاید گزینه‌ی «ابن‌سینا» که هم با ضبط لاتین هماهنگ و هم در عین حال انحصاری تو نیز می‌باشد، گزینه‌ی اصلح باشد.

#### ۳- القاب و عناوین ابن‌سینا

در تعریف لقب گفته‌اند نامی که دلالت بر مدح یا ذم کند مثل «انوشیروان دادگر» و «اسکندر گجسته» گاهی القاب مدحی و اعتباری طی حکمی که به آن «لقب‌نامه» می‌گویند از طرف امرا و سلاطین اعطاء می‌شده است. ابن‌سینا به‌خاطر مقام و منزلت بسیار والای پزشکی، فلسفی، سیاسی، علمی و اجتماعی... خود، شاید بیش از هر شخصیت دیگری در تاریخ ما دارای القاب و عناوین متعدد می‌باشد که در زیر به بعضی از آن‌ها اشاره می‌شود:

شیخ‌الرئیس: این لقب به کسی اعطا می‌شده که علم و سیاست را در هم آمیخته و دارای دو جنبه‌ی علمی و سیاسی بود. «شیخ‌الرئیس» مشهورترین لقب ابن‌سینا است (بنا به فرهنگ فارسی معین در دو قرن اخیر دو نفر دیگر هم این لقب را داشته و به اصطلاح با ابن‌سینا «لقب تاش» بوده‌اند.)

القاب و عناوین دیگر ابن‌سینا به شرح زیر است:

حجّت‌الحق، حجّت‌الحق علی‌الخلق، شرف‌الملک، الحکیم وزیر و الدستور، امام‌الحکما، حکیم شرق، حکیم کبیر، پرنس پزشکان، شهریار پزشکان، آقای پزشکان، استاد استادان، بقراط ثانی، بقراط ایران، جالینوس اسلام، ارسطوی اسلام، ارسطوی ثانی، اعجوبه‌ی دهر، فرید عصر، استاد البشر، خورشید بخارا، ابن‌سینای بخاری...

مطلع سروده‌ی از زنده‌یاد فریدون مشیری در این‌جا خالی از لطف

۳- نخستین پزشکی ست که توصیف درستی از عضلات چشم، عصب تری ژمو، عصب شنوایی و عصب صورتی داده و نشانه‌شناسی فلج فاسیال ارائه کرده است، لذا اخیراً در بعضی از کتاب‌های نورولوژی این فلج را «فلج ابن سینا» می‌نویسند.

۴- اولین طبیبی ست که اثرات سمی بخار جیوه بر گوش را بیان کرده است.

۵- از اولین «صرع‌شناسان» دنیای طب و طبابت است و ضمن اصلاح نظرات پزشکان اعصار گذشته، اطلاعات جدیدی درباره‌ی جنبه‌های مختلف بیماری صرع ارائه کرده است.

۶- به عقیده‌ی محققین روسی، اولین پزشکی ست که به بخیه‌ی اعصاب دست زده است.

۷- مراحل سه‌گانه‌ی سل ریوی، نخستین بار توسط او شرح داده شده است.

۸- اولین طبیبی ست که از «پایان‌نامه‌ی پزشکی» یاد می‌کند و در کتاب سوم **قانون** صریحاً می‌گوید: «دو نفر از محصلین طب رساله‌هایی در مورد درمان بیماری سل با شیر گاو نوشته‌اند».

۹- نخستین کسی ست که به طبقه‌بندی بیماری‌ها پرداخته است.

۱۰- نخستین پزشکی ست که به نقش عوامل روانشناختی در تکوین گروهی از بیماری‌های جسمی پی برده و از روش‌های روانشناسی بویژه اثرات تلقین در درمان بیماری‌ها سود جسته و در واقع او را می‌توان پدر طب سایکوسوماتیک و روانپزشکی دانست.

### ج- اظهار نظر بزرگان درباره‌ی ابن سینا

در این قسمت با بسنده کردن به اظهار نظر تنها یک شخصیت ایرانی به چند اظهار نظر از شخصیت‌های مشهور غیر ایرانی خواهیم پرداخت، چرا که بنا به فرموده‌ی مولانا جلال‌الدین بلخی: بهتر آن باشد که سر دلبران گفته آید در حدیث دیگران

۱- دکتر علی‌اکبرخان نفیسی «ناظم‌الاطبا»، (پدر سعید نفیسی)، بنیانگذار و رییس بیمارستان سینای تهران و مولف **فرهنگ نفیسی**: «علم طب معلوم بود، بقراط آن را ایجاد کرد؛ مرده بود، جالینوس احیایش کرد؛ متفرق بود، رازی جمع و جورش کرد؛ ناقص و نارسا بود، ابن سینا رسا و تکمیلش کرد».

۲- دانتیه‌ی ایتالیایی در **کمدی الهی**: «ابن سینا یکی از بزرگ‌ترین متفکران غیرمسیحی ست».

۳- ویلیام هاروی انگلیسی، بنیانگذار طب نوین و کاشف گردش خون در نامه‌ی به دوستش توصیه می‌کند: «به سرچشمه‌ی اصلی مراجعه کن و آثار ابن سینا را مطالعه کن».

۴- ویل دورانت آمریکایی در کتاب **تاریخ تمدن**: «در مدرسه‌ی طب دانشگاه پاریس دو تصویر رنگی از دو طبیب مسلمان آویخته‌اند که یکی از آن‌ها رازی ست و دیگری از ابن سینا. ابوعلی حسین بن سینا بزرگ‌ترین فیلسوف و معروف‌ترین طبیب اسلام است».

۵- گرهارد فنتز مر آلمانی در کتاب **پنج‌هزار سال پزشکی**:

«ابن سینا موفق شده بود آن چه را که جالینوس نتوانست انجام دهد، به ثمر رساند و سبک صحیحی را در پزشکی ایجاد و برقرار کند».

۶- دکتر سیریل الگود انگلیس در کتاب **تاریخ پزشکی ایران**: «وقتی کتاب قانون ابن سینا در عالم طب شناخته شده، یک باره همه‌ی کتاب‌های طبیبی گذشته را تحت الشعاع خود قرار داد».

۷- هنری زیگریست آمریکایی فرانسوی‌الصل، رییس موسسه‌ی تحقیق تاریخ پزشکی در دانشگاه جان هاپکینز در کتاب **پزشکان نامی**: «دانش پزشکی در دست ابن سینا تبدیل به بنایی متحد و هماهنگ و منطقی شد و صورت قواعد ریاضی پیدا کرد و کتاب او چنان‌که از اسمش برمی‌آید به واقع قانون و حتا مذهب دانش پزشکی ست».

۸- ریچارد تولنر آلمانی در کتاب **تاریخ مصور پزشکی جهان**: «قانون ابن سینا دارای ماهیت فرهنگ‌نامه‌ی ست و با دقت به فصل‌ها و بخش‌هایی تقسیم شده است. این اثر به سرعت مقام عمومی و جامع به دست آورد، به‌صورتی که یکی از مواد ثابت برنامه‌های آموزشی اغلب دانشکده‌های مغرب‌زمین تا قرن ۱۷ گردید».

۹- شارل سورینای فرانسوی در کتاب **تاریخ پزشکی**: «هیچ یک از علوم زمان بر ابن سینا بیگانه نبود».

۱۰- ادوارد براون انگلیسی طبیب و مستشرق مشهور در کتاب **تاریخ طب عرب**، «کتاب **قانون** ابن سینا در میان آثار طبی عالم اسلام دارای مقامی منحصر به فرد و ممتاز است. چنان‌که آثار رازی و اهوازی، با آن که واجد شرایط غیرقابل تردیدی هستند، در قبال این کتاب عملاً منسوخ شده‌اند». و سپس به نقل از **چهارمقاله‌ی نظامی** عروسی می‌نویسد: «اگر بقراط و جالینوس زنده شوند روا بود که پیش این کتاب سجده کنند».

در این جا اجازه می‌خواهم سه بیت آغازین غزل «حماسه‌ی ایران» اثر استاد شهریار حسن ختام این گفتار قرار گیرد. سال‌ها مشعل ما پیشرو دنیا بود

چشم دنیا همه روشن ز چراغ ما بود  
دُرُج دارو همه در حکم حکیم رازی  
بُرُج حکمت همه با بوعلی سینا بود  
قرن‌ها مکتب قانون و شفای سینا  
به حکیمان جهان مشق خطی خوانا بود

### منابع

- ۱- **اخلاق پزشکی**، به انضمام مختصری از تاریخ پزشکی، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، تهران، ۱۳۷۰.
- ۲- **پزشکان نامی**، هنری زیگریست، ترجمه‌ی کوکب صورتگر و حسن صفاری، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۲.
- ۳- **پنج‌هزار سال پزشکی**، گرهارد فنتزمر، ترجمه‌ی سیاوش آگاه، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۶.
- ۴- **پور سینا**، سعید نفیسی، دانش، تهران، ۲۵۳۵.
- ۵- **تاریخ پزشکی ایران**، سیریل الگود، ترجمه‌ی باقر فرقانی، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۱.